

● تعلیم و تربیت در اسلام؛

هدفها و روشها

در بحث مربوط به بررسی تعلیم و تربیت در اسلام سه موضوع اساسی باید تجزیه و تحلیل گردد.

اول آنکه هدف غائی تعلیم و تربیت اسلامی چیست؟ دوم چگونه

می‌توان به هدف مورد نظر دسترسی پیدا کرد. سوم روش‌های تربیتی

چه روش‌هایی هستند و چگونه می‌توان با استفاده

از این روش‌ها فرزندان صالح، مؤمن و بانقوا پرورش داد تا از طریق پرستش خالق یکتا، ره

رستگاری را پیموده، به کمال رسیده و به سوی معبود خویش حرکت کنند.

۱- تعلیم و تربیت در اسلام

قبل از شروع مطلب باید دید منظور و مفهوم تربیت

چیست. تربیت در خلاصه کلام به معنی رشد و نمو تا

رسیدن به مرحله کمال مطلوب و یا ایجاد دیگرگونی‌های

سالم در جسم و روح است.^۱

دو نظام‌های مختلف جهان و مکاتب گوناگون هر

یک بنا به مقتضیات خود هدف‌های مختلفی جهت

تعلیم و تربیت در نظام‌های آموزشی مربوطه در نظر

گرفته‌اند. ولی وقتی موضوع تعلیم و تربیت اسلامی

مطرح می‌گردد و مفاهیمی از قبیل بخود آوردن انسان، ترکیه

نفس، پرورش فکر، تقوا و بالاخره پرستش خداوند یکتا و

بسوی او حرکت کردن مد نظر می‌باشد. دین مبین اسلام

دیگرگونی‌های رشدی را به گونه‌ای منظم در یکدیگر

ادغام کرده و تربیت جسم، روح و عقل را با یکدیگر

پیوند داده تا تعادلی در راه رسیدن به هدف غائی بوجود

آید.

به عبارت دیگر هنگامی که صحبت از تعلیم و

تربیت اسلامی به میان می‌آید علاوه بر مفاهیمی از قبیل

ترکیه نفس، پرورش فکر، تقوا و پرستش خدای متعال،

مفاهیم دیگری از قبیل بهداشت بدن، پرورش اخلاق،

پرورش قدرت استقامت در مقابل ناملازمات، شناسایی

خوشیستن - طرز برقراری ارتباط و برخورد با افراد

جامعه - شناسایی محیطی که در آن متولد شده و زندگی

می‌کند و بسیاری مطالب دیگر در آن نهفته است که با

توجه به استعداد و توانایی‌های فردی در یادگیری عملاً

باید به نوجوانان آموزش داده شود تا راه گشایی به سوی

رستگاری و رسیدن به کمال باشد.

تربیت جسم به منظور بی بردن به عظمت خلقت

انسان و شناسایی اعضای مختلف و فعل و انفعالات

دستگاههای بدن آدسی است. تربیت روح، پیوند بین

فرد و مبدأ آفرینش را برقرار ساخته و موجب سلامت فکر

و روح می‌گردد. و بالاخره تربیت فکر راه و روش زندگی

فردی، خانوادگی و اجتماعی را هموار می‌سازد.

۲- هدف نهایی تعلیم و تربیت در اسلام

در مورد تعلیم و تربیت نوجوانان مطالب زیادی به رشته تحریر درآمده است. ولی این امر عملاً، کاری دشوار و مستلزم وجود طرح‌هایی از پیش نهی شده و همکاری در سطح مختلف است. همه دست‌اندرکاران در این مسأله متفق القولند که تعلیم و تربیت باید دارای هدف و مقصد مشخصی باشد ولی در تعیین این هدف عقاید مختلفی ابراز می‌شود. برای مثال بعضی مکاتب هدف غایبی را بر پایه مادیات و پاره‌ای آن را بر اساس شرایط زمان و مکان و یا مقتضیات محیط پایه‌گذاری کرده‌اند.^۱

دین مبین اسلام هدف نهایی تعلیم و تربیت را در حرکتی مستقیم به سوی پرستش خداوند، راه‌رستگاری و رسیدن به مرحله کمال می‌داند که نهایتاً نزدیک شدن به خداوند متعال می‌باشد. دستیابی به این هدف غایی و عالی کار ساده‌ای نیست، نیاز به اهداف واسطه‌ای دارد.^۲

موضوعی که در این زمینه حائز اهمیت است تنها تعیین هدف غایی و اهداف واسطه‌ای نیست بلکه باید مقتضیات مربوط به نوجوان یا فرد تعلیم‌گیرنده، اوضاع و شرایط اجتماعی و محیطی را نیز به موازات آن در نظر گرفت تا دستیابی به هدف غایی با موفقیت انجام گیرد. پس در اثر این تعلیم و تربیت که هدف غایی آن رفتن به سوی کمال و مقصد آن پرستش خداوند و رسیدن به اوست، انسانهایی تربیت خواهند شد که روح ایمان و ریشه مساوات را در دلها می‌کارند، استعدادهای فکری، علمی و عملی خود را در راه هم‌نوعان خود به کار می‌برند، کانون خانواده را گرم می‌کنند و نهایتاً ترویج دین مبین اسلام را موجب می‌شوند.

۳- طرق دستیابی به هدف نهایی تعلیم و تربیت اسلامی

دستیابی به هدف کار ساده‌ای نیست، مستلزم

تلاش و کوشش است، نیاز به از خود گذشتگی دارد. برای دستیابی به هدف مورد نظر در تعلیم و تربیت اسلامی باید از هدف‌های واسطه‌ای که نقش کلیدی دارند استفاده کرد. اهدافی که دسترسی به هر یک و ادغام آنها با یکدیگر افراد را به صراط مستقیم هدایت می‌کند. اهداف واسطه را می‌توان در چهار گروه زیر مشخص ساخت:

اولین هدف واسطه - که می‌توان آن را مهمترین هدف نامید - هدف تعلیم و تربیتی است که فرد را با مبدأ آفرینش مرتبط می‌سازد.

دومین هدف واسطه، خویش‌شناسی است که فرد را با خویشش خویش مرتبط می‌سازد.

سومین هدف واسطه، شناخت جامعه و برقراری ارتباط صحیح فرد با افراد جامعه است.

چهارمین هدف واسطه، شناخت محیط زندگی و محیط طبیعی است که خود موجب شناخت بیشتر خداوند می‌گردد.

- اولین هدف، برقراری ارتباط با مبدأ آفرینش؛

دستیابی به این هدف مهم نیاز به تعلیم و تربیتی دارد که بر پایه پرستش خداوند متعال، اعتقاد راسخ به پروردگار و قرآن مجید استوار باشد.

تعالیم عالیه اسلام، تفکر در مورد خلقت عالم، درک حضور پروردگار عالم در تمام آثار خلقت و طبیعت، شناخت اسلام، همگی از عوامل مهم و مؤثری هستند که می‌توانند راه‌گشای پرستش خداوند، تزکیه نفس و رسیدن به مقصد یعنی مبدأ آفرینش باشند (با توجه به میزان ظرفیت روانی - جسمی هر فرد)^۱

- دومین هدف، خویش‌شناسی یا برقراری ارتباط با خود؛

تعلیم و تربیت اسلامی باید بر اساس شناخت اندامهای مختلف بدن، جهاز داخلی، فعل و انفعالات بیولوژیکی و استعدادهای ذاتی که خداوند متعال در وجود انسان خلق فرموده پیمان گذارده شود تا این گونه

ارزشها و استعدادها در جهت رسیدن به مقصد صرف گردد.^۵ در این هدف بیشتر بر جنبه‌های تزکیه نفس و اصلاح پذیرنی فرد تأکید به عمل آمده است و اجرای صحیح آن باید در برگیرنده نکات زیر باشد.

۱) شناسایی اندام و جهاز مختلف داخلی بدن و حفظ بهداشت یکایک آنها

۲) تقویت روحیه

۳) پرورش استعداد های نهفته

۴) تهذیب اخلاق و نظم و انضباط

۵) پرورش قدرت تفکر و عقلانی و تکامل اخلاقی

— سومین هدف، شناخت جامعه و برقراری ارتباط صحیح با افراد جامعه

شناخت جامعه مستلزم شناخت ابعاد فرهنگی، اجتماعی — اقتصادی و سیاسی آن جامعه است.^۶ جای بسی حمد و سپاس است که دین مبین اسلام ارزشها و معیارهای این ابعاد را در سطوح مختلف جامعه — از کوچکترین واحد اجتماعی یعنی خانواده گرفته تا جامعه بشری — مد نظر داشته و به جزئیات ارتباطات هر یک از این گروهها توجه خاصی مبذول داشته است. این هدف بر اساس استقلال، آزادی، برادری و تعاون پایه گذار گردیده، انزواطلبی را نفی کرده و زندگی گروهی را توصیه می کند. نوجوانی که اولین قدم در برقراری ارتباط خود با جامعه را با توجه به این خصوصیات برداشته و جزئیات آن را در برنامه های آموزشی خود عملاً لمس کرده، مسلماً به حقیقت جویی و صراط مستقیم راه یافته و ره رستگاری را پیموده و به هدف غایی رهنمون خواهد شد.^۷

— چهارمین هدف، شناسایی محیط زندگی و طبیعت برای شناخت بیشتر خداوند

یکی دیگر از هدفهای آموزشی برای رسیدن به هدف غایی تعلیم و تربیت اسلامی شناخت عالم طبیعت است که شامل محیط زیست، منابع طبیعی، دریاها، خشکی ها و بالاخره زمین و آسمانهاست که خلقت هر یک از آنها به امر خالق یکتا هدف های خاصی را در بر

دارد:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند

تا توانایی به کف آری و به غفلت نخوری

همه از بهر توسترگشته و فرمان بردار

شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

(سعدی)

پس با توجه به بیهوده آفریده نشدن طبیعت می توان با شناخت آن به اسرار و خواص آن پی برد و آن در جهت

رسیدن به مقصد یعنی پرستش خداوند و رفتن به سوی او یاری جست. ترکیب و ادغام هدف های واسطه چهارگانه

بالا یعنی پرستش خداوند یکتا برای نزدیک شدن به او، خویششن شناسی یا برقراری ارتباط با خود، شناخت

جامعه و برقراری ارتباط با افراد آن جامعه، و بالاخره شناخت محیط و پی بردن به جلال و عظمت خالق یکتا

و آفریدگار جهان و کائنات، زمینه را جهت تعلیم و تربیتی مهیا می سازد که مقام آدمی را بجایی می رساند

که سمدی می فرماید:

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نیستند

بسنگر که تا چه حفاظت مکان آدمیت

در این صورت رستگاری بشر تا مین راه وی به سوی خداوند گشوده خواهد شد.

روش های تربیتی

شبه ای از تعلیم و تربیت اسلامی، هدف غایی تعلیم و تربیت اسلامی و طرق دستیابی به هدف غایی،

به طور خلاصه مورد بحث قرار گرفت. اینک بیینیم چگونه طی طریق کبیب و یا به عبارت دیگر با چه روشی

مطالب آموزنده درسی و زندگی را به نوجوانان بیاموزیم.

روشهای تربیتی اسلامی که مورد تأیید قرآن کریم

بوده و با فطرت انسان همساز است باین شرح است:

۱) روش بخود آوردن

شناخت فرد از طریق امتحان انجام می پذیرد. گاهی انسان را خداوند تمت می دهد و گاهی سختی،

در هر دو حال او را می آزماید.

قرآن کریم در باره پیروزی مسلمانان در جنگ بدر

*** در تعلیم و تربیت اسلامی به خود آمدن انسان، تزکیه نفس، پرورش فکر، تقوا و در نهایت پرستش خداوند یکتا و حرکت به سوی او مد نظر است.**

می‌گوید:

و لیلی الله المؤمنین منه بلاء حسناً (سوره انفال آیه

۱۷)

مسلمانان در آن نبرد بردشمن قوی و مجهز فاتح آمدند. نتیجه این امتحان این بود که آیا مؤمنان به گرفتن غنیمت سرگرم می‌شوند یا اینکه تنها متوجه خدا و مسئولیت‌های الهی خود باقی می‌مانند. در جنگ احد عکس آن پیش آمد. مسلمانان شکست خوردند وعده‌ای به شهادت رسیدند و این نشانه‌ای از آن بود که آیا پیروان اسلام در هر حال پایدار و استوار می‌مانند؟

بنابراین امتحان هر کسی بستگی به مقام و منزلت او دارد و انسان از این طریق بخود می‌آید و شخصیتی استوار می‌یابد.

۲) روش بشارت به سعادت جاویدان

انا ارسلناک بالحق بشیراً و نذیراً و ما ارسلناک الا مبشراً و نذیراً (سوره فرقان آیه ۵۶) (همانا تو را به حق برای بشارت و انذار فرستادیم.) بنابراین روش اصلی انبیا الهی در اصلاح و هدایت مردم می‌باشد. شاید بتوان گفت که تمامی روشهای تربیتی دیگر قرآن همانا بخود آوردن فرد، شناختن خوبیشتن، حقیقت‌طلبی و تفکر و تعقل در آفرینش هستی است.

۳) روش تذکر و یادآوری

پیامبران از راه تذکر و یادآوری می‌کوشند که وظیفه تربیت و سازندگی خود را به نحو مطلوب انجام دهند به طوری کلی می‌توان واژه تذکر را به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول: تعبیراتی است که در مورد پیامبر اکرم (ص) آمده است.

دسته دوم: تعبیراتی که در مورد قرآن مجید وجود دارد.

دسته سوم: این دسته می‌خواهد بگوید انسان باید اهل تذکر باشد یعنی باید گوش شنوا و قلب زنده داشته باشد.^۸

در همین جاست که تربیت شکل می‌گیرد باید مواظب او بود باید با آزادی و انتخاب آگاهانه حرکت



کند و تذکره او آگاهی می دهد.

۴) روش داستان سرایی

منظور از ذکر حکایات با داستانهای قرآن تقویت نیروی فکری و آمادگی بیشتر برای زندگی و تفکر در حال اقوام گذشته و عبرت گرفتن می باشد.

۵) روش تخلیه سائق درونی

در این روش خانواده ها و معلمان باید توجه داشته باشند که معیارهای اولیه تربیتی خود را بر محور علائق درونی و تخلیه سائق ها و انگیزه های داخلی قرار دهند و به عبارت دیگر فرهنگ خانواده و جامعه باید در سطحی قرار گیرد که فرزندان بر اساس کششهای درونی به سوی کمالات انسانی از قبیل درستی، راستی، نظم و انضباط، ادب، کمال، علم دوستی، شجاعت و عدالت حرکت کنند و بخصوص نیروی خلاقه خود را به متصف ظهور رسانند. در ضمن باید تربیت و تعادلی بر اساس پایه های فرهنگی و مذهبی در مورد سائق ها اعمال گردد.

۶) روش الگویی یا یادگیری غیر مستقیم

به منظور دستیابی به رشد و قرب الهی، پیروی از افراد رشد یافته چون پیامبران الهی در قرآن کریم به کرات مورد تأکید قرار گرفته در قرآن کریم پس از ذکر شرح حال ابراهیم علیه السلام به زندگانی حضرت نوح و سایرین در آیات (۹۰ - ۸۴ سوره انعام) می پردازد و سپس نتیجه می گیرد که پیامبران کسانی بودند که خدا خود آنها را هدایت نمود تونیز از آنها پیروی نما. بنابراین افراد مسلمان باید صفات این افراد را در خود پیاده نمایند.

۷) روش بند و اندرز منطقی

اصولاً آدمی به گونه ای ساخته شده که ارشاد را بهتر از امر و نهی می پذیرد. در ضمن بسیاری از نامآزگاریها بدان خاطر است که آدمی از ماهیت عمل خود آگاه نیست در صورتی که اگر او را به حقایق امور آگاه کنند و سوء عواقب را به افراد بیگانه اند قطعاً تا حدود زیادی تن به نصایح خواهند داد.

✱ برای دستیابی به هدف مورد نظر در تعلیم و تربیت اسلامی، باید از هدفهای واسطه ای که نقش کلیدی دارند، استفاده کرد.

✱ فرهنگ خانواده و جامعه باید در سطحی قرار گیرد که فرزندان بر اساس کششهای درونی به سوی کمالات انسانی از قبیل درستی، راستی و نظم، انضباط، ادب، کمال، علم دوستی، شجاعت و عدالت حرکت کنند.

از طریق پند و اندرز می توان زمینه را برای رشد همه جانبه کودک فراهم کرد. این آگاهی بنا بر سن کودک و با توجه به منطق او ساده و صمیمانه می تواند اجرا گردد.

۸) روش پاداش و کیفر

علی (ع) در نرمان تاریخی خود به مالک که به فرمانروایی مصر برگزیده شده است دستور داده اند که: «لایکوننّ المحسن والمسی عندک بمنزله سواء فان فی ذالک تزهیة الاهل الاحسان فی الاحسان وتدیبا لاهل الاسانه علی الاسانه» توجیح البلاغه دکتر صبحی صالح.

(مبادا نیکوکار و بدکار پیش تو یکسان باشند، زیرا چنین روشی نیکوکار را بی رغبت و بد کردار را شائق می سازد.)

یا به طور مثال پیامبر اکرم (ص) پس از فتح مکه عتاب بن اسیب را به فرمانروایی که برگزیدند در آن وقت وی یک جوان ۲۱ ساله بود. رهبر گرامی اسلام به این جوان چنین فرمودند:

اگر می دانستیم در میان مسلمانان کسی لایقتر از تو وجود دارد او را بر تو مقدم می داشتیم. این تشویق و توجه پیشوای مسلمانان نسبت به یک جوان لایق بسیار پراهمیت است. خوشبختانه در عصر حاضر روانشناسان هم به این نکات توجه زیادی مبذول داشته اند.

۹) توبه

انسان تنها به اندازه قدرت عیسی که دارد مسئول است.

لا یکلف الله نفساً الا وسعها (آیه ۲۳۳ سوره بقره)

یعنی به هیچ کس جز به اندازه وسع و توانایی او تکلیف نمی شود و خداوند در این زمینه تنها موقعی اقدام به تغییر وضع مردم می نماید که آنها ابتداء از خود شروع و نسبت به تغییر وضع نابهنجار اقدام نمایند.

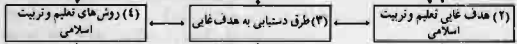
ان الله لایغیر بالقوم حتی یغیروا ما بانفسهم (آیه ۱۱

سوره ۱۳ عدد)

حال اگر فردی نسبت به تکلیف خود آگاه شد مسئول تغییر وضع در وجود خود می باشد این تغییر و اصلاح رفتار با اراده و آزادی عمل به طور بنیادی انجام می پذیرد.



(۱) تعلیم و تربیت در اسلام



پرستش خداوند متعال
↓
رستگاری
↓
رسیدن به کمال مطلوب
↓
نزدیک شدن به خداوند بکفا

اول: از طریق برقراری ارتباط با مبدا
آفرینش
دوم: از طریق خویش شناسی با
برقراری ارتباط با خود
سوم: از طریق شناخت جامعه
و برقراری ارتباط صحیح با افراد جامعه
چهارم: شناخت محیط زندگی
و محیط طبیعی

(۱) روش بخود آوردن انسان
(۲) روش بشارت به سعادت جاویدان
(۳) روش تذکر و یادآوری
(۴) روش داستان سرایی
(۵) روش تخلیه سائق درونی
(۶) روش الگویی با یادگیری غیرمستقیم
(۷) روش پند و اندرز منطقی
(۸) روش پاداشت و کبفر
(۹) روش توبه

پيامبر(ص) - تحف العقول ص ۲۶

(۵) - «ان للقلب شهوة واقبالاً وادباراً فاترها من قبل شهوتها و اقبالها فان القلب اذا اكره عمى» محققاً دلها را خواستش ررو آوردن و روگردانیست. پس به سوی آنها بسایبد (آنها را اوار نماید) از راه عواشش و رو آوردن آنها (به از راه سی سلی) زیرا هرگاه دل (بانجام کاری) مجبور شود کور گردد. (خسته و وامانده نماند آنرا درست انجام ندهد). علی علیه السلام، نهج البلاغه، جلد ششم ص ۱۱۶۵.

(۶) - در حقیقت موفقیت فردی و اجتماعی هر فرد بر حسب ظرفیت روانی او مشخص می گردد و انسان ایده آل آن است که موفقیت فردی و اجتماعی خود را بر حسب میزان ظرفیت روانی خویش ارزیابی نماید. (استاد جعفری، شرح منتهی جلد ۱، ص ۷۰۹)

(۷) - باید فرصت ها را از دست نداد و «والدین و مربیان» در فرزندان روحیه خداجوی و حق طلب و غیرخواه را فراهم آورند و اگر چنین کردند فرزندان روحیه خداجوی و حق طلب و غیرخواه را فراهم آورند و اگر چنین کردند فرزندان در مقابل مسایل نادرست توان تشخیص و نیروی مقابله و رفع خواهند داشت حاشیه بر ترجمه کتاب «الطفل و التربیه» از محمد توفیق المسفد نشر کاتب، پرورش فکری.

(۸) - تربیت از دیدگاه اسلام - دکتر احمد بهشتی
(۹) - تربیت و یازسازی کودکان - دکتر عقی قائمی

و پرویس ها

(۱) - از دیدگاه اسلام تعلیم آموختن است آنچه را که برای زندگی با معنا و بر اساس مصلحت و حسن عاقت، لازم است دانستش هم برای آنکه نیکو و آبرومند و ارزنده، این حیات را گذرانند و هم برای فردایی در جهان دیگر، صالح و شایسته محسوب شدن. «گامی در مسیر تربیت اسلامی جلد دوم».

(۲) - تفاوت های تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلامی و دنیایی غرب

۱- موضوع اصلی در تعلیم و تربیت غربی «جامعه» است و در تعلیم و تربیت اسلامی «انسان» است. رسالت تعلیم و تربیت غربی «تربیه انسان در نظام جامعه» است و در تعلیم و تربیت اسلامی «توجه انسان در نظام خلقت».

حاصل تعلیم و تربیت غربی «رشد جهان آگاهی» است و حاصل تعلیم و تربیت اسلامی «رشد خود آگاهی» است. تعلیم و تربیت غربی بر «بودن» استوار است و تعلیم و تربیت اسلامی بر «شدن» استوار است. گامی در مسیر تربیت اسلامی جلد ۲ نشر آفاق دکتر مغلومی.

(۳) - تعلیم و تربیت و مراحل آن دکتر غلامحسین شکوهی انتشارات آستان قدس رضوی.

(۴) - انا معاشر الاینها امرنا ان نکلم الناس علی قدر عقولهم. ما پیامبران مأموریم که با مردم به اندازه خودشان سخن گویم.

داغدیدگی و از همه مهتر، کتکهای فراوانی که حضرتش خورده است مانع از بجای آوردن نماز به حالت ایستاده است. آری، او در قبال تمامی این مصائب و سختیها از مقام حمد و شکر فرود نمی‌آید.

آنگاه که در کنار جسد برادر فرار می‌گیرد و برادرزاده‌اش، امام سجاد را می‌بیند که از شدت اندوه می‌خواهد قالب نهی کند غم خویش را از یاد برده و به دلداری او می‌پردازد «همیشه مردان، زنان را تسلی خاطرند. اما این بار زنی از خاطر مردی غبار غم می‌زداید.»

آنگاه که به کوفه می‌رسد در هر کوی و برون، نقاب از رخسار باطل فرو می‌افکند؛ آنان را بر این نفاق و رنگ بازی ملامت می‌نماید؛ بی‌هدفی و سست عنصری و فرومایگی آنان را گوشزد نموده و عنایب جاودانه را به آنان یادآوری می‌شود و اینچنین، همگان را شرمند و سردرگم می‌نماید.

آنگاه که در مقابل «ابن زیاد» قرار می‌گیرد با روحی عظیم، بدون آنکه فطرهای اشک بریزد تا دشمن شادمان گردد در کناری می‌نشیند و در پاسخ بی‌شرمیهای «ابن زیاد» فریاد می‌زند:

«والله ما رایت الا جمیلاً» (۲)

و آنگاه که «ابن زیاد»، قصد جان «علی بن الحسین» را در همان مجلس می‌نماید دست در گردن یادگار برادر افکند و خطاب به پسر «مرجان» فریاد می‌زند: «این همه خون از ما ریختی پس نیست؟ به خدا، از علی جدا نخواهم شد تا مرا هم با او بکشی» و اینچنین، یار دیگر اعجاب همگان را برمی‌انگیزد. در طول سفر اسارت نیز، هر کجا شرایط فراهم بود زینب به بیدارگری و ابلاغ پیام شهیدان می‌پردازد و آنگاه که در تالار بزرگ «یزید» قرار می‌گیرد و آن بصارت را از او نیست به سر «ابا عبدالله» مشاهده می‌کند برخاسته و آن خطبه معروف را ایراد می‌نماید. زینب در آن سخنرانی، «یزید» را رسوا نموده و او را به محاسن کشیده و در این بیدادگاه، جهان بشریت را به قضاوت

فرا می‌خواند. وجدانهای خفته را بیدار نموده و «یزید» را به اعلام ابدی و ننگ جاودانی محکوم ساخته و تمامی اطرافیان «یزید»، حتی همسر وی را متقلب می‌نماید. او، به این محکمه نیز اکتفا نکرده و به بیدارسازی افکار عمومی در شام می‌پردازد، تا آنجا که، جزاً به گونه‌ای تغییر می‌دهد که مجلس عزای «حسین» را در دمشق فراهم ساخته و با بقیه بانوان، به عزاداری می‌پردازد و این بار از راه اشک و ناله ابلاغ پیام می‌نماید.

و آنگاه که پس از دوران اسارت، به مدینه بازمی‌گردد به مسجد پیامبر رفته و مردم شهر مدینه را نیز از کم و کیف واقعه کربلا آگاه می‌نماید. و اینچنین است که شماع خویشید تابناک «زینب»، هرگز به افول نمی‌گراید.

اما، او در این صحنه تنها نیست. در روز عاشورا، زنانی به همراه او هستند که به میدان می‌روند و هیچکس، حتی شوهرانشان نیز نمی‌توانند آنان را از مبارزه بازدارند. تنها، هنگامی که امام به آنها فرمان می‌دهد تا به خیمه‌ها برگردند به این ندا، خاضعانه لبیک می‌گویند و اطاعت از رهبر را در اوج احساسات خویش پذیرا می‌شوند. همسر «عبدالله کلی»، نمونه‌ای از این زنان است. او، هنگامی که در روز عاشورا از شهادت همسرش آگاه می‌شود خود را به جنازه او می‌رساند. این موهبت بزرگ را به او تیسریک گفته و از خدا می‌خواهد که او را نیز به شوهرش ملحق سازد. دعایش، سریعاً اجابت می‌شود و در کنار جنازه شوهر، دشمن با گرز بر سر او کوفته و او را نیز به شهادت می‌رساند.

«جساده انصاری»، با همسر و پسرش در کربلا حضور دارد. او در نخستین حمله به شهادت می‌رسد. همسر او، پسر را تشویق می‌نماید تا راه پدر را ادامه دهد. فرزند، خدمت «ابا عبدالله» می‌رسد و اذن جهاد می‌طلبد و پاسخ منفی دریافت می‌دارد. مجدداً اذن می‌طلبد امام می‌فرماید: «تو پدرت کشته شده است. به سوی مادرت برگرد شاید او راضی نباشد.» جوان پاسخ می‌دهد: